

A Comparative Study of the Revolutions of Iran, France and Russia

Saeed Karimi kesheh ¹

Received: 17 dec 2021

Reception: 28 jan 2022

The fall of the Shah's regime and the context of the Iranian Revolution in 1979-1977 astonished foreign observers, including the Shah's friends, journalists, political and social thinkers. It was noteworthy that the Iranian revolution was an illegal phenomenon. The Iranian revolution had a more social aspect. The context of this revolution was completely different from that of the French and Russian revolutions. The author's question is what are the commonalities and differences between the three revolutions of Iran, France, and Russia. The method of this study is a comparative study. The results of the research show that all three revolutions were common in terms of anti-authoritarianism, opposition to the monarchy, and the formation of the republic, and were different in terms of leadership role, ideology, and popular participation.

Key words: Revolutions, Iran, France, Russia, leadership Role, Popular Participation, Ideology.

1. PhD in International Relations, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, saeed-karimikesheh2022@yahoo.com.

مطالعه مقایسه‌ای انقلاب‌های ایران، فرانسه و روسیه

سعید کریمی کشه^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۹/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۹

چکیده

سقوط رژیم شاه، آغاز نهضت انقلابی ایران بین سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۷۹، به‌عنوان یک شگفتی ناگهانی برای ناظرین خارجی اعم از دوستان شاه تا روزنامه‌نگاران و دانشمندان علوم سیاسی و اجتماعی بود. مهم‌تر از همه، انقلاب ایران پدیده‌ای کاملاً خلاف قاعده و طبیعت بوده است. انقلاب ایران یک انقلاب اجتماعی است، پروسه انقلاب مخصوصاً حوادثی که منجر به سقوط شاه بود، علت‌هایی را که در مطالعه تطبیقی انقلاب‌های فرانسه و روسیه مطرح شده است را زیر سؤال برد.

با توجه به این مسئله سؤال اصلی این پژوهش این است که وجوه اشتراک و افتراق سه انقلاب ایران، فرانسه و روسیه چه می‌باشد؟

در پی یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش، نویسنده مقاله با استفاده از روش مطالعه مقایسه‌ای سعی کرده است این‌گونه توصیف و تبیین نماید که هر سه انقلاب دارای اشتراکاتی نظیر مبارزه با استبداد، سرنگونی نظام سلطنتی و جایگزینی نظام جمهوری و همچنین وجوه افتراقی نظیر ویژگی‌های رهبری، ایدئولوژی و مشارکت مردمی دارا می‌باشند.

کلید واژگان: انقلاب، ایران، فرانسه، روسیه، نقش رهبری، مشارکت مردمی و ایدئولوژی

۱. دانش آموخته دکتری گروه روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.
saeedkarimikesh2022@yahoo.com

مقدمه

مقایسه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های فرانسه و روسیه این امکان را فراهم می‌کند که نیروهای محرک و ثبات‌بخش کشورمان را بار دیگر مورد بررسی قرار دهیم.

میشل فوکو می‌گوید: در رویدادهای ایران چیزی وجود دارد که مایه تشویق ناظران امروزی است، چیزی که در انقلاب‌های دیگر مشاهده نمی‌شود، چیزی که مشاهده می‌شود موج عظیمی است بدون ابزار نظامی، بدون پیشگام و حزب.

تمامی اندیشمندان در اینکه چگونه و چرا در این انقلاب به ناگهان تمام مردم هم‌زمان و هماهنگ و هم‌صدا خواستار سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شده‌اند دچار حیرت شده‌اند. اگر بخواهیم انقلاب اسلامی ایران را با دیگر انقلابات جهان مقایسه نماییم باید گفت: در انقلاب کبیر فرانسه بورژوازی شهری قیام کرد و نظام خاندان بوربون‌ها را سرنگون ساخت و به همین دلیل، این انقلاب به انقلاب بورژوازی معروف شد. (طلوعی، ۱۳۹۶: ۸۸)

انقلاب روسیه هم که به انقلاب بلشویکی معروف شد در حقیقت حاصل اعتراضات کارگران اعتصابی کارخانجات پتروگراد و همراهی گروهی از سربازان پادگان‌های شهری بود که با پیوستن به هم توانستند دولت تزار را سرنگون کنند. درحالی‌که در انقلاب ایران جزء عده‌ای معدود که وابستگی بسیار نزدیک به رژیم شاه داشتند و منافع و بقای آنان به این رژیم وابسته بود، تمامی اقشار و طبقات جامعه از کشاورز و کارگر گرفته تا کارمندان دولت، طلاب، دانشجویان و دانش‌آموزان در تمام نقاط کشور باهم قیام کردند و بدون اینکه به ائتلاف و تفاهم بر سر خواسته‌های متفاوت بین گروه‌های کثیر توجه کنند، همه هم‌صدا و با شعارهای واحد قیام کردند.

روش تحقیق تطبیقی یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش‌های پژوهش در حوزه مسائل علوم سیاسی است. سیاست مقایسه‌ای با مقایسه کلیه اشکال فعالیت سیاسی اعم از دولتی یا غیردولتی سرکار دارد. براین اساس متخصصان سیاست مقایسه‌ای عمدتاً به سیاست مقایسه‌ای به‌عنوان مطالعه کل پدیده‌های سیاسی می‌نگرند. در این خصوص هریک از محققان بر اولویت‌های خاصی تأکید می‌ورزند و پدیده‌های به خصوصی را در نظام‌های سیاسی مختلف مورد مقایسه قرار می‌دهند. ارند لیجفارت چنین استدلال می‌کند که در سیاست

تطبیقی تمرکز اصلی بر خودش نیست بلکه بیشتر روشی است که بر چگونگی تجزیه و تحلیل تمرکز دارد و نه بر این که چیزی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این پژوهش از روش تطبیقی و کاربست رژیم‌های امنیتی بین‌المللی به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل استفاده گردیده است. (قوام، ۱۳۹۱: ۱۵-۱۱)

در پیشینه ادبیات پژوهش نگارنده آثار پیشرو را به عنوان مکمل و هدایت‌کننده مسیر مقاله به کار برده است.

جان ام دان (۱۳۹۹) در کتاب انقلاب روسیه به چگونگی روند شکل‌گیری فعالیت‌های حزبی انقلابیون روس، روی کار آمدن بلشویک‌ها به رهبری لنین در قالب حزب سوسیال‌دموکراسی، جنبش‌های کارگری، کیفیت رهبری تا پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، سیر تحولات سیاسی شوروی سابق، نقش دولت تمامیت‌خواه کمونیستی و ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم می‌پردازد.

فیلیس کورزین (۱۳۹۸) در کتاب انقلاب فرانسه به سیر تحولات تاریخ انقلاب ۱۷۸۹، سرنگونی دولت لویی شانزدهم، تسویه حساب‌های پس از انقلاب، تأثیر انقلاب کبیر فرانسه بر کل قاره اروپا و مقابله حکومت‌های محافظه‌کار و استبدادی اروپا نظیر اتریش با صدور انقلاب فرانسه و موج انقلاب در قاره سبز پرداخته است.

منوچهر محمدی (۱۳۹۱) در کتاب انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه به نقش پررنگ رهبری، خیزش مردمی و ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با دو انقلاب روسیه و فرانسه توجه وافر نموده و به‌طور ویژه به جایگاه سه نهاد دولت، ارتش و حزب در این سه انقلاب نگریسته است.

مصطفی ملکوتیان (۱۳۹۴) در اثر سیری در نظریه‌های انقلاب به بررسی انقلاب با بار ارزشی مثبت و منفی می‌پردازد. وی معتقد است که حرکت و تحول جامعه تابع یکسری قانونمندی است که این قانونمندی را در حول سه محور مطرح می‌کند. ۱- انقلاب تابع سنت‌های الهی است؛ ۲- انقلاب دارای پیش شرط‌های روحی و روانی است؛ ۳- انقلاب یک حرکت عمومی نهی از منکر و امر به معروف است.

حسین بشیریه (۱۳۹۲) در کتاب خود انقلاب و بسیج سیاسی نظریه‌های انقلاب را بر اساس

مکاتب اصلی در مطالعات اجتماعی که هر یک بانام یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی نوین در ارتباط است، در پنج گروه قرار می‌دهد. الف- نظریه مبارزه طبقاتی؛ ب- مکتب واقع‌گرایی ج- نظریه همبستگی اجتماعی؛ د- نظریه کاریزما؛ ه- نظریه فردگرایانه یا روان‌شناختی.

بنابراین با بررسی آثار فوق این امر روشن می‌گردد که این سه انقلاب دارای اشتراکات و نقاط افتراقی می‌باشد که باید به‌طور ویژه و علمی بدان پرداخته شود؛ لذا سؤال اصلی مقاله این است که: وجوه اشتراک و افتراق سه انقلاب ایران، فرانسه و روسیه چیست؟ در پاسخ به این سؤال یا فرضیه اصلی باید به این امر اذعان نمود که بررسی مقایسه‌ای این روند نشان‌دهنده این است که هر سه انقلاب دارای اشتراکاتی نظیر مبارزه با استبداد، سرنگونی نظام سلطنتی و جایگزینی نظام جمهوری و همچنین وجوه افتراقی نظیر ویژگی‌های رهبری، ایدئولوژی و مشارکت مردمی دارا می‌باشند.

نظریه‌های انقلاب

حسین بشیریه در کتاب خود نظریه‌های انقلاب را بر اساس مکاتب اصلی در مطالعات اجتماعی که هر یک بانام یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی نوین در ارتباط است، در پنج گروه قرار می‌دهد. الف- نظریه مبارزه طبقاتی که مارکس و پیروان سنت مارکسیستی پرچم‌داران اصلی آن هستند، در تحلیل انقلاب به سازمان اقتصادی جامعه نظر دارد و انقلاب را نتیجه منازعات اجتماعی می‌داند و به‌عبارت‌دیگر، تعارض سیاسی را ناشی از ساختار منافع اقتصادی و اجتماعی تلقی می‌کند. ب- مکتب واقع‌گرایی سیاسی که با اندیشه‌های ماکیاوولی و پارتو گره‌خورده، انقلاب را اساساً پدیده‌ای سیاسی می‌داند که در آن قدرت دست‌به‌دست می‌شود. قدرت از این دیدگاه پدیده‌ای همیشگی است و دولت و سلطه سیاسی نیز اجتناب‌ناپذیر و همیشگی است. ج- نظریه همبستگی اجتماعی دورکهایم از پیشتازان این نظریه می‌باشد. به نظر او مبنای نظم اجتماعی عاملی اخلاقی است و رسم و سنن اجتماعی بر عقل منفرد افراد مسلط است. جامعه منظم و متعادل وحدت اخلاقی دارد. در مواردی که جامعه دچار تحول سریع می‌شود و تقسیم‌کار جدیدی جای وجدان جمعی در جامعه سنتی را می‌گیرد، ضعف معیارهای اخلاقی به وجود می‌آید که مبنای از بین رفتن حس امنیت و فردگرایی افراطی است و این شرایط برای بسیج سیاسی مناسب است. (بشیریه، ۱۳۹۲: ۱۰۹). د- نظریه

کاریزما این نظریه ریشه در اندیشه ماکس وبر دارد، ظهور شخصیت‌های خاص با ویژگی‌های فردی متمایز، نیروی خلاقه عمده‌ای در تحول تاریخی از جمله انقلاب تلقی می‌شود. بنیان کاریزما اعتقاد پیروان به ویژگی خارق‌العاده شخصیت کاریزماتیک است. اقتدار کاریزمایی رهبر کاریزماتیک بر پیروان، بر اساس رابطه‌ای عاطفی استوار است و به دل‌بستگی پیرو به رهبر منجر می‌شود. ه- نظریه فردگرایانه یا روان‌شناختی که گاه با اندیشه‌های توکویل مرتبط می‌شود. پیدایش شرایط انقلابی را به وضعیت فرد یا تصور از وضعیت خود مربوط می‌دانند. در این نظریات به تصورات فردی نسبت به وضعیت اجتماعی بیشتر از وضعیت عینی اهمیت داده می‌شود و تحولات در سطح زندگی فرد، عنصر اصلی وضعیت انقلابی محسوب می‌گردد (ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۱۱۰).

اصطلاح انقلاب به دلیل همراهی با دگرگونی شدید و ناگهانی، کاربردهای مختلف دارد، مانند انقلاب صنعتی، انقلاب سیاسی، انقلاب اجتماعی، انقلاب فکری و انقلاب سبز ولی انواع خاصی از واژگونی‌های بزرگ در جوامع بشری موردنظر است. (ماله و ایزاک، ۱۳۹۳: ۴۸-۵۰) این پدیده، با توجه به میزان و نوع تغییراتی که به‌ویژه در داخل کشور پدید می‌آورد، به دو نوع اجتماعی (انقلاب کبیر) و سیاسی قابل تفکیک می‌نماید. آرای پژوهشگران درباره انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی مختلف است. (محمدی، ۱۳۹۰: ۷۸)

۲- نقاط افتراق سه انقلاب

در ایجاد و شکل‌گیری انقلابات سه رکن اساسی قابل تفکیک هستند: مردم، رهبری و ایدئولوژی.

۲-۱- مشارکت مردمی

در حالی که در فرانسه و روسیه میزان مشارکت مردم در براندازی رژیم‌های مستبد حاکم بسیار اندک بوده و حتی در فرانسه همان‌طور که گفته شد، نقشی نداشته‌اند و رژیم فرانسه به خاطر ضعف‌های خود الزاماً تسلیم شده و در روسیه تعداد محدودی از کارگران کارخانجات پتروگراد و سربازان پادگان همان شهر سر به شورش برداشته و موجبات سقوط خاندان رومانوف را فراهم کردند. (کورزین، ۱۳۹۸: ۱۲۲) در انقلاب اسلامی ایران به‌استثنای اقلیت

محدودی و بخش اعظم ارتش که به‌نظام وابسته بودند همه اقشار مردم از همه طبقات و گروه‌های اجتماعی و در سراسر کشور اعم از شهرها و روستاها، کارگران، کارمندان، کشاورزان، اصناف و غیره همه و همه چرخ‌های اقتصادی و اداری کشور را از کار انداخته و در مقابل رژیم تاندان‌مسلح آن‌هم با دست‌خالی ایستادند و آن را ساقط کردند. مطالعات بعدی هم نشان داد که حتی بعد از پیروزی انقلاب که زنجیرهای استبداد و دیکتاتوری گسسته شده و زمینه مناسب برای ایجاد آگاهی سیاسی و مشارکت توده‌های مردم فراهم شده بود به‌تدریج و به علت بی‌میلی حاکمیت‌های بعد از انقلاب اعم از میانه‌روها و رادیکال‌ها در دو انقلاب فرانسه و روسیه، این مشارکت رو به کاهش نهاده است. (دان، ۱۳۹۹: ۹۳-۹۲)

۲-۲- نقش رهبری

نقش و شخصیت رهبر به‌ویژه زمانی روشن‌تر و برجسته‌تر می‌شود که توسلات ایدئولوژی گروه‌های انقلابی پراکنده و غیر منسجم باشد و یا سازماندهی آن ضعیف باشد در این صورت نقش و اهمیت رهبری در پروسه انقلابی و در طول زمان توسعه می‌یابد. از طرف دیگر نقش رهبران انقلاب را در سه بعد مهم می‌توان مشاهده کرد که عبارت است از رهبر به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب، رهبر به‌عنوان فرمانده و نهایتاً رهبر به‌عنوان معمار نظام بعد از پیروزی انقلاب. در بررسی و مقایسه اجمالی میان نقش رهبران در سه انقلاب مورد بحث مشاهده خواهیم کرد که در این رکن از انقلاب نیز مانند رکن مردم انقلاب اسلامی دارای قدرت، امتیازات و ویژگی‌هایی فوق‌العاده و استثنایی بوده است که دو انقلاب فرانسه و روسیه از آن بی‌بهره‌اند. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه رهبران انقلاب از طبقات متوسط و بالای جامعه بوده‌اند در حالی که در انقلاب اسلامی ایران رهبران انقلاب وابسته و متعلق به طبقات محروم و فقیر جامعه بوده‌اند. در انقلاب‌های فرانسه و روسیه به‌ویژه در انقلاب روسیه رهبران مدافع و نماینده طبقه‌ای بودند که خود متعلق به آن طبقه نبودند، در حالی که در انقلاب اسلامی رهبران انقلاب دقیقاً مدافع طبقه‌ای بودند که از آن طبقه برخاسته بودند. (پیرن، ۱۳۹۷: ۱۰۰)

در انقلاب‌های فرانسه و روسیه طبقه روشنفکر و تحصیل‌کرده رهبری انقلاب را بر عهده داشته و اشراف و روحانیون نقش ضدانقلاب را داشتند در حالی که در انقلاب اسلامی رهبری ضدانقلاب را روشنفکران وابسته به چپ و راست به عهده داشتند. در انقلاب فرانسه و

روسیه ما به چهره‌هایی شاخص که همه ویژگی‌های سه‌گانه رهبری را در خود جمع داشته و از نظر ایدئولوژی، فرماندهی انقلاب و سازندگی بعد از انقلاب دارای استعداد، نبوغ و قدرتی همچون رهبری در انقلاب اسلامی باشد برخوردار نمی‌کنیم. در انقلاب فرانسه چهره‌هایی مانند لافایت، روبسپیر، دوک اورلئان مطرح هستند که هیچ‌کدام رهبری انقلاب را در تمام دوران شکل‌گیری و پیروزی آن به‌طور جامع در دست نداشتند. در انقلاب روسیه چهره‌نشین از چهره‌های شاخص و برجسته تاریخ این انقلاب می‌باشد وی در واقع دارای امتیازات و استعدادها و نبوغ مشخصی بود که در جهت به مرحله عمل درآوردن آنچه را که به انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ معروف است نقش اصلی و محوری داشت. درحالی‌که در سقوط رومانوف‌ها در مارس همان سال مطلقاً نقشی نداشت چهره‌هایی مانند زینوویف، کامنف، تروتسکی، استالین، رایکوف و کرنسکی هم از شهرت ویژه‌ای برخوردار هستند ولی آن‌ها هم دخالتی در سقوط رژیم نداشتند. (فیشر، ۱۳۹۴: ۱۱۱) در حقیقت سقوط رژیم تزاری در اثر یک حرکت خودجوش و بدون رهبری صورت گرفت. به‌طور خلاصه مطالعات ما نشان می‌دهد نه در انقلاب فرانسه و نه در انقلاب روسیه به چهره‌ای با ویژگی‌های ایدئولوگ و فرمانده انقلاب برخورد نمی‌کنیم آن‌هایی را که نام بردیم هیچ‌کدام نه ایدئولوگ انقلاب بودند و نه فرمانده آن بلکه سازندگان و معماران دولت‌های بعد از انقلاب بودند. درحالی‌که در انقلاب اسلامی رهبر انقلاب حضرت امام خمینی به‌ویژه با برخوردارگی از جایگاه مرجعیت دینی و با نبوغ، قدرت و ویژگی‌های خاصی که داشتند که در نوع خود بی‌نظیر بود نقش ایدئولوگ، فرمانده و معماری انقلاب را به نحو احسن و در طول ربع قرن از حیات پربرکت خود برعهده‌گرفته و ایفا کردند. (محمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۵)

۲-۳- ایدئولوژی

با بررسی اجمالی از ایدئولوژی‌های حاکم بر انقلاب‌های موردنظر درمی‌یابیم درحالی‌که مکتب‌های لیبرالیسم و مارکسیسم در فرانسه و روسیه با برداشت‌های مادی خود افق محدودی را برای پیروان خود در همین دنیا و تنها از یک زاویه فراهم می‌کردند، نقش مهمی هم در ایجاد انگیزه لازم در براندازی رژیم‌های پادشاهی فرانسه و روسیه نداشته‌اند و حتی در پیاده کردن ارزش‌ها و معیارهای خود بعد از سقوط نظام‌های مطرود با مشکل مواجه شده و الزاماً

تغییرات زیادی بر نظریات تئوریک خود اعمال کردند. (Green,2009:69) از طرف دیگر هر دو مکتب برای مردم فرانسه و روسیه نامأنوس بود و بنیان‌های عقیدتی عامه مردم که غالباً مذهبی بودند در تعارض بوده لذا این ایدئولوژی‌ها هرگز نتوانستند خمیرمایه لازم را در ایجاد تشکل، انسجام و وحدت اقشار و توده‌های جوامع خود فراهم کنند و تنها به‌عنوان ایدئولوژی طبقه خاص روشنفکر و با تعابیر متفاوت باقی ماندند. درحالی‌که مکتب اسلام که از ۱۴۰۰ سال قبل به ایران وارد شده بود و با مردم مأنوس بوده و قاطبه مردم به آن اعتقاد داشته و با آن زیست کرده و در تاروپود زندگی آن‌ها نفوذ و رسوخ کرده بود و با توجه به جهان‌بینی الهی افق بسیار وسیعی برای پیروان خود فراهم کرده، علاوه بر آنکه سعادت اخروی را نوید می‌داد برای همین دوره کوتاه زندگی در این دنیا نیز دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌های لازم برای امور روزمره زندگی فردی و اجتماعی و اداره جامعه در جهت تأمین سعادت دنیوی فراهم کرده بود و در مقایسه با دو مکتب دیگر از عظمت ویژه‌ای برخوردار است.

انقلاب‌های فرانسه و روسیه نه تنها علیه دولت بلکه علیه روحانیت و کلیسا بود. کلیسا در فرانسه فرانسوی شده، از حیطة اقتدار پاپ در واتیکان خارج گردید و در روسیه مطرود و مقهور شد درحالی‌که در انقلاب اسلامی تمام روحانیت شیعه علیه دولت قیام کرد و انقلاب را رهبری نمود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که رمز پیروزی انقلاب اسلامی را تنها می‌توان در عظمت و مدیریت و میزان اعمال گسترده سه رکن انقلاب یعنی مردم، رهبری و مکتب جستجو کرد که توانست برخلاف پیش‌بینی‌ها و محاسبات تحلیل‌گران و حیرت جهانیان نظام قدرتمند و کهن شاهنشاهی را به‌زانو درآورده و آن را سرنگون سازد. (Hall,2018:223)

۳- وجوه اشتراک سه انقلاب

در مورد بررسی اشتراکات سه انقلاب ایران، فرانسه و روسیه باید در اولین گام به این موضوع اشاره کرد که در هر سه انقلاب هدف اولیه و اصلی انقلابیون مبارزه با استبداد و ریشه‌کنی رژیم‌های فاسد پیشین می‌باشد در فرانسه (سرزمین خروس‌ها) تلاش برای نابودی خاندان بوروبون‌ها صورت گرفت، در روسیه که به سرزمین خرس‌ها شهرت دارد تلاش انقلابیون برای نابودی خاندان رومانوف‌ها یا سلسله تزارها شکل گرفت اما در ایران مبارزات

بسیار زیادی برای محو خاندان سلطنتی پهلوی توسط تمامی اقشار و طبقات مردمی صورت گرفت. دومین نقطه اشتراک هر سه انقلاب تلاش برای جایگزین کردن نظام جمهوری به جای نظام سلطنتی می‌باشد در فرانسه پس از پیروزی انقلاب در ۱۷۸۹ برای مدتی نظام سلطنتی مشروطه پابرجا بود اما در سال ۱۷۹۲ جمهوری اول فرانسه پدید آمد و نظام سلطنتی برای همیشه برچیده شد. در روسیه پس از پیروزی انقلاب مارس دولت موقت به نخست‌وزیری کرنسکی تشکیل شد و پس از ناکارآمدی جای خود را به دولت بلشویکی داد و اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی در سال ۱۹۲۲ پدید آمد. در ایران پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹ نظام سلطنتی ملغی گردید و جای آن را نظام جمهوری اسلامی ایران گرفت که همچنان به حیات خود ادامه می‌دهد. (افراخته، ۱۳۹۸: ۲۲-۱۹) سومین ویژگی مشترک هر سه انقلاب را می‌توان مبارزه با ضد انقلابیون معرفی کرد، در فرانسه بلافاصله پس از انقلاب طیف وسیعی از مخالفان به جرم ضدیت با انقلاب اعدام گردیدند و در کمتر یک سال جمعیتی در حدود ۱۳۷۶ نفر به تیغ گیوتین سپرده شدند اکثر ضد انقلابیون فرانسوی از بیرون از خاک فرانسه و توسط دول محافظه‌کار اروپایی حمایت می‌شدند. اما در روسیه پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها به رهبری لنین در انقلاب اکتبر نبرد با ضد انقلابیون روسی آغاز شد. برای روسیه، پایان جنگ در جبهه خارجی تقریباً مصادف شد با آغاز جنگ‌های داخلی که در طی آن مخالفان در اطراف واکناف روسیه به جنگ با رژیم جدید مشغول شدند. دولت‌های غربی نیز به این امید که اوضاع را به حال سابق درآورند تصمیم به اشغال خاک آن کشور گرفتند و انگلیسی‌ها در مورمانسک، فرانسوی‌ها در ادسا و امریکایی‌ها و ژاپنی‌ها در ولادی وستوک نیرو پیاده کردند. کمونیست‌ها پس از نبردهای سخت موفق شدند تا سال ۱۹۲۲ شورش داخلی را در سراسر خاک خود مهار سازند و نیروهای خارجی را نیز از روسیه برانند و سرحدات کشور را از هر سو، به‌استثنای قسمت اروپایی روسیه، به مرزهای سابق برسانند. (کولایی، ۱۳۹۸: ۱۷۱-۱۷۰) در ایران نیز مبارزات عدیده‌ای بر علیه ضد انقلابیون بخصوص بر علیه منافقین و گروه مجاهدین صورت گرفت این گروه‌ها به‌طور کامل از کمک‌های دول بیگانه به خصوص دول غربی برخوردار بودند اما با تلاش نیروهای انقلابی و در سایه رهبری مقتدر همگی آن‌ها با شکست‌های سختی مواجه شدند. چهارمین ویژگی مشترک هر سه انقلاب بحث صدور انقلاب می‌باشد، در فرانسه بلافاصله پس از انقلاب موضوع صدور انقلاب به سراسر اروپا و

جهان مطرح شد و حمایت از جنبش‌های استقلال‌طلبانه و آزادیخواه همراه با آرمان معروف انقلاب فرانسه آزادی، برابری و برادری. اما به‌زودی این عمل انقلابیون فرانسوی با واکنش دول اشرافی اروپا مواجه شد بخصوص اتریش با صدراعظم دیکتاتور خودش یعنی مترنیخ، در واقع پس از انقلاب فرانسه و به دنبال آن روی کار آمدن ناپلئون و در نهایت شکست وی در جنگ واترلو کنفرانس‌های مهمی برای جلوگیری از اشاعه موج انقلابی صورت گرفت نظیر کنگره وین، اتحاد مقدس و کنسرت اروپایی. در روسیه ابتدا بحث بر سر رواج انقلاب کمونیستی در سراسر روسیه مطرح گردید پس از تحقق این مهم موضوع صدور انقلاب به بیرون از مرزهای روسیه صورت گرفت اما در این برهه از زمان اختلافات بین رهبران روسی آغاز گردید و جدال بین استالین با تز معروف خود تحت عنوان سوسیالیزم در یک کشور و لئو تروتسکی با دکترین انقلاب دائمی و مستمر صورت گرفت که در نهایت منجر به محاکمه تروتسکی گردید. (جانسون، ۱۳۹۳: ۳۰۱) در ایران نیز پس از پیروزی انقلاب و سامان یافتن آن، رهبران تصمیم به صدور انقلاب به نقاط مختلف جهان بخصوص دول اسلامی منطقه گرفتن با آرمان‌های انقلاب اسلامی در ایران و حمایت ملت‌های مظلوم و رنج‌کشیده جهان و همچنین حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش جهان و مخصوصاً جهان اسلام نظیر حمایت از جنبش‌های اسلامی در لبنان و فلسطین که علیه رژیم صهیونیستی به نبرد برخاسته اند و از جمله وجوه مشترک دیگر سه انقلاب می‌توان به دور شدن هر سه انقلاب از دستاوردهای اولیه خود اشاره کرد، هر سه انقلاب دورانی از رکود اقتصادی را تجربه کردند و انقلابیون در هر سه انقلاب با واکنش‌های بین‌المللی مواجه شدند و در دوره‌ای چند در انزوا به سر بردند و هر سه انقلاب پس پیروزی دوران وحشت را تجربه کردند من جمله در فرانسه بسیاری از رهبران انقلاب فرانسه بعدها به جرم ضدانقلابی توسط دوستان خود اعدام شدند از جمله ژرژ دانتون، کامی دمولن، ماکسیمیلین روبسپیر را می‌توان نام برد. در روسیه نیز بسیاری از رهبران انقلاب به دست نیروهای انقلابی ترور یا اعدام شدند بخصوص در بحبوحه محاکمات مسکو در دهه ۳۰ میلادی که بسیاری از رهبران توسط استالین تبعید یا اعدام شدند از جمله دوستان خود استالین نظیر کامنف، زینوویف و از همه مهم‌تر تروتسکی که به حکم استالین تبعید و در نهایت در مکزیک به دست یکی از عمال استالین با کلنگ به قتل رسید. و در نهایت هر سه انقلاب دورانی از ترمیدور یا بازگشت را تجربه نمودند. (افراخته، همان: ۳۶-۳۴)

۴- مقایسه جدولی سه انقلاب ایران، فرانسه و روسیه

نمونه‌ها	ایدئولوژی
فرانسه	لیبرالیسم نقشی در پیروزی انقلاب داشت، ایدئولوژی طبقه خاص روشنفکر، انقلاب علیه کلیسا بود.
روسیه	این انقلاب نه تنها بر علیه دولت بود بلکه علیه دین منحرف شده کلیسا و پاپ بود و به این ترتیب در این دو انقلاب پاپ و وابستگان مطرود شد.
ایران	جهان بینی الهی افق بسیار وسیعی برای پیروان خود فراهم کرده بود و در مقایسه با دو مکتب دیگر از عظمت ویژه‌ای برخوردار است. مردم با اسلام مانوس بودند و قاطبه مردم به آن اعتقاد داشتند، به ویژه مکتب تشیع با برخورداری از جوهره انقلاب زمینه کاملاً مساعدی برای بهره‌مندی از یک مکتب قدرتمند در پروسه انقلاب اسلامی فراهم کرده بود. (فراتی، ۱۳۹۶: ۸۰)

نمونه	ویژگی‌های رهبری
فرانسه (۱۷۸۹)	در فرایند انقلاب چهره‌هایی مانند لافایت، روبسپیر، دوک د. اورلئان مطرح هستند که هیچ کدام رهبری انقلاب را در تمامی دوران شکل‌گیری و پیروزی آن به طور جامع در دست نداشتند.
روسیه (۱۹۱۷)	لنین از چهره‌های شاخص و برجسته تاریخ انقلاب روسیه است. وی دارای امتیازات و استعدادها و نبوغ مشخصی بود که در عملی شدن انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نقش اصلی و محوری داشت. در حالی که در سقوط رژیم رومانوف‌ها در فوریه همان سال نقشی نداشت. در دوران انقلاب فوق با چهره‌ای با ویژگی‌های ایدئولوژی و فرمانده انقلاب برخورد نمی‌کنیم چهره‌های این انقلاب نه ایدئولوگ انقلاب بودند و نه فرمانده آن، بلکه سازندگان و معماران بعد از انقلاب بودند. آن‌ها اشخاصی بودند که بر اسب سرکش تحولات بعد از سقوط نظام سوار شده و در سیر تحولات بعدی اثر گذاردند.
ایران (۱۹۷۸)	در انقلاب اسلامی رهبری انقلاب حضرت امام خمینی (ره) به ویژه با برخورداری از جایگاه مرجعیت دینی و با نبوغ قدرت ویژگی‌های خاصی داشتند. نقش ایدئولوگ، فرمانده و معمار انقلاب را به نحو احسن و در طول ربع قرن از حیات پربرکت خود را برعهده گرفته و ایفاء کردند. (بخشنده و محسنی، ۱۳۹۶: ۱۲۹)

نمونه‌ها	وضعیت اقتصادی	اقتدار نظامی
فرانسه (۱۷۸۹)	مشکلات مالی و اقتصادی: در فرانسه در دوران قبل از انقلاب بین پنجاه سال قبل از آن دچار مشکلات و بحران‌های اقتصادی بود.	در طول پنجاه سال قبل از انقلاب مدت ۲۶ سال در جنگ و منازعات بین‌المللی بود و در این منازعات جز یک ایالت، نه تنها چیزی به دست نیاورد. بلکه شکست‌ها و خسارت‌های عظیم مالی و جانی و ارضی به دنبال داشت و افسران در انقلاب ۱۷۸۹ حوصله و علاقه دفاع از حاکمیت را نداشتند و با انقلابیون همراه شدند.

روسیه (۱۹۱۷)	مشکلات مالی و اقتصادی و اعتصابات کارگری: روسیه از آغاز دهه اول قرن بیستم وضع مطلوبی نداشت، رکود اقتصادی که تا سال ۱۹۰۹ دوام داشت برای کارکنان و دهقانان شرایط سختی دامن زد و منجر به اعتصابات سراسری و گسترده شد.	انقلاب روسیه در اوج اشتغال در جنگ جهانی اول به وجود آمد زمانی که روسیه در جنگ کریمه و شکست ژاپن از موقعیت ویژه خود تنزل یافت و قوای نظامی آن که در ۱۸۱۵ تنها قدرت قوی قاره اروپا بود به اعتصابات کارگری پیوستند و زمینه انقلاب را به وجود آورد
ایران (۱۹۷۸)	مطلوب‌ترین وضعیت اقتصادی: در تمام ۵۷ ساله رژیم پهلوی این وضعیت اقتصادی بی نظیر بود آن هم افزایش قیمت نفت بود.	در طول ۵۷ سال حکومت شاهنشاهی ارتش ایران در هیچ جنگ خارجی شرکت نکرده بود و محمد رضاشاه پیش از هر پادشاه به نیروهای مسلح توجه داشت و یک ارتش قوی و قدرتمند برای غلبه بر انقلابیون و کشورهای منطقه با چراغ سبز آمریکا ایجاد کرده بود و حتی آمریکا با این وضعیت نظامی ایران را جزیره ثبات می‌نامیدند. (وایل، ۱۳۹۱: ۹۹)

نمونه‌ها	مشارکت مردمی	طبقه رهبران انقلاب
فرانسه	در فرانسه میزان مشارکت مردم در براندازی رژیم‌های مستبد حاکم بسیار اندک بوده و حتی گفته شد که نقشی نداشته‌اند و رژیم فرانسه به خاطر ضعف‌های خود الزاماً تسلیم شده بود.	در انقلاب روسیه و فرانسه: رهبران از طبقات متوسط و بالای جامعه بوده و طبقه روشنفکر و تحصیل‌کرده رهبری انقلاب را بر عهده داشتند.
روسیه	در روسیه تعداد محدودی از کارگران کارخانجات پتربورگ و سربازان پادگان همان شهر، سر به شورش برداشته و موجبات سقوط خانواده رومانوف‌ها را فراهم کرد.	اشراف و روحانیون نقش ضدانقلاب داشتند.
ایران	در انقلاب اسلامی ایران به‌استثنای بخش اعظم ارتش که وابسته به رژیم شاه بودند همه اقشار مردم از همه طبقات و گروه‌های اجتماعی و در سراسر کشور اعم از شهرها و روستاها، کارگران، کارمندان، کشاورزان، اصناف در مقابل رژیم تاندان مسلح ایستادند.	رهبران جزء مردم محروم و فقیر بودند و دقیقاً مدافع مستضعفینی که از متن آنان برخاسته بودند روحانیون حامی انقلاب بودند. (نقیب زاده، ۱۳۹۸: ۱۶۷-۱۶۶)

نمونه‌ها	حمایت کشورهای بیگانه از انقلاب‌ها
فرانسه	به دلیل جنگ‌های طولانی لویی شانزدهم و پانزدهم با همسایگان خود من جمله با اتریش، روسیه، انگلیس و اسپانیا، این کشورها در جهت تضعیف لویی شانزدهم و کمک به انقلابیون کمک کردند.
روسیه	به دلیل درگیری روسیه با آلمان و عثمانی و ژاپن این کشورها نه تنها از دولت آن زمان (رومانوف‌ها) حمایت نکردند بلکه آن‌ها به انقلابیون کمک کردند مثلاً لنین با حمایت و امکانات فراهم شده آلمان‌ها به انقلابیون روسیه ملحق شد و پایه انقلاب بلشویکی را ریخت.
ایران	دولت ایران و رژیم شاه از حداقل یک دهه قبل از سقوط خود از حمایت کامل دو ابرقدرت و قدرت‌های بزرگ منطقه تا آخرین روزهای حکومتش برخوردار بود و متقابلاً انقلابیون ایران از هیچ‌گونه حمایت بین‌المللی برخوردار نبودند. (پزشکی و حسینی زاده، ۱۳۹۳: ۴۴-۴۱)

نتیجه‌گیری

در ابتدا در مورد محدودیت‌های روش مقایسه‌ای باید گفت که، اولاً در اغلب موارد پیدا کردن وقایع تاریخی برای مقایسه بسیار سخت است. ثانیاً در روش مقایسه‌ای باید به انقلاب‌ها در هر کشور به صورت جداگانه نگریست و هر یک را به طور مستقل مطالعه کرد و سپس وقایع مشخصی را باهم مقایسه نمود. اما مشکل آن است که پدیده انقلاب در یک کشور به صورت یک واقعه تاریخی مستقل نیست و در ارتباط با ساختار بین‌المللی و تحولات سایر کشورها معنا پیدا می‌کند. ثالثاً آنکه روش مقایسه‌ای تنها جایی کاربرد دارد که ابتدا به وسیله روش‌های توصیفی، اطلاعات لازم در مورد پدیده مورد نظر به دقت گردآوری شده است. حال در مورد سه انقلاب فرانسه، روسیه و ایران می‌توان گفت که این سه انقلاب از مهم‌ترین انقلابات اجتماعی در طول تاریخ می‌باشند که اثرات شگرفی بر جهان گذاردند انقلاب فرانسه در اواخر قرن هجدهم و انقلاب روسیه در اوایل قرن بیستم و انقلاب ایران در نیمه دوم قرن بیستم هر کدام صفحه‌ای از تاریخ را به خود اختصاص داده‌اند. در مورد انقلاب فرانسه می‌توان به زبان ساده گفت که هدف اصلی انقلابیون فرانسوی تشکیل یک دولت مدرن در ۱۷۸۹ بوده است و در واقع انقلاب فرانسه نوعی گذار از فئودالیسم به سرمایه‌داری بوده است، این انقلاب الهام گرفته از آثار ژان ژاک روسو فیلسوف فرانسوی می‌باشد روسو بنیان‌گذار مکتب رومانتیسم نقش مهمی در پیروزی انقلابیون فرانسوی داشته است، شاید بتوان گفت تنها

میراث به‌جای مانده از انقلاب فرانسه همان آرمان معروف فرانسویان آزادی، برابری و برادری است که همچنان در دل فرانسه پابرجاست با گذشت دو قرن از انقلاب فرانسه این شعار اصل اول قانون اساسی فرانسه را تشکیل می‌دهد در فرانسه پس از انقلاب تاکنون پنج جمهوری شکل گرفته است و در هر پنج جمهوری آرمان‌های انقلاب حفظ شده است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه آمده است که حکومت فرانسه مبتنی بر آزادی و برابری و برادری است و نظام سیاسی فرانسه حکومت مردم به‌وسیله مردم و برای مردم است. اما در مورد انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، وقتی بلشویک‌ها در سال ۱۹۱۷ دولت موقت را سرنگون کردند، فقط پطروگراد کمونیست بود. ظرف چند دهه بعد، تأثیر انقلاب روسیه بسیار گسترده‌تر شد. آنچه در قالب شورشی گسترده علیه نظام فاسد و خشن و غیرمسئول تزاری آغاز شده بود، روسیه عقب‌افتاده را به قدرتی بزرگ و رهبر کمونیسم مدرن تبدیل کرد در روزهای آغازین انقلاب، بسیاری از رهبران بلشویک معتقد بودند که انقلاب دائمی برای ساختن یک جامعه سوسیالیستی مدرن کاملاً ضروری است. آن‌ها معتقد بودند که برای نیل به این هدف، باید در دیگر کشورهای صنعتی نیز انقلاب شود تا انقلابیون بتوانند در سرتاسر جهان به یکدیگر کمک کنند. بلشویک‌ها برای نیل به این هدف، انترناسیونال کمونیستی (کمیترن) را تأسیس کردند که به بروز انقلاب‌های کمونیستی در خارج از مرزهای شوروی سابق کمک می‌کرد. کمیترن اعلامیه‌های حزبی پخش می‌کرد و سعی داشت سکان اتحادیه‌ها و گروه‌های کارگری را در سرتاسر جهان به دست گیرد. کمیترن سعی داشت جنبش کمونیستی را در سرتاسر جهان به پیش ببرد. کمونیست‌ها در بسیاری از کشورها به‌جای تعهد نسبت به کشورهای خود، نسبت به کمیترن سوگند وفاداری یاد می‌کردند. در قرن بیستم، دولت‌های کمونیستی در اروپای شرقی، چین، جنوب شرق آسیا، کره شمالی، یوگسلاوی و بخش‌هایی از آمریکای لاتین، آفریقا و غیره پا گرفتند. در یک دوره زمانی خاص یک‌سوم از دولت‌های بر اساس ایده‌های مارکس و لنین عمل می‌کردند. اما انقلاب ایران حاصل چهار حرکت سیاسی-اجتماعی بوده است، حرکت اول، جنبشی علیه سلطه خارجی بود و در محدوده ممنوعیت واگذاری امتیاز توتون و تنباکو به یک شرکت بریتانیایی متوقف شد. حرکت دوم، تلاش ایرانیان جهت ایجاد حکومتی مردمی و مشروطه را نمایان ساخت (انقلاب مشروطه). حرکت سوم، مبارزه علیه سلطه انگلستان بود، ولی در مقایسه با جنبش تنباکو گستره‌ای وسیع‌تر داشت (جنبش ملی کردن صنعت نفت). حرکت چهارم، تلاش روحانیون به رهبری امام خمینی،

در برابر آثار منفی انقلاب سفید شاه، را به نمایش گذارد (قیام ۱۵ خرداد). و در واقع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ره‌آورد این چهار حرکت می‌باشد، آنچه باعث شگفتی همگی ناظران گردید این است که در انقلاب ایران خبری از یک حزب پیشرو، سلاح، ستاد و سازمان وجود نداشت آنچه وجود داشت حرکت عظیم مردمی بود در سایه رهبری امام خمینی بود و آنچه باعث پیروزی سریع انقلاب ایران گردید همگامی ایدئولوژی رهبری با توده‌های مردمی بود. در مورد وجوه اشتراک و افتراق سه انقلاب باید گفت که، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ مصداق انقلاب‌های بنیادین است و از نظر شکلی با انقلاب کبیر فرانسه ۱۷۸۹ و انقلاب روسیه ۱۹۱۷ تشابهاتی دارد، از جمله این وجوه اشتراک مبارزه با استبداد و براندازی نظام سلطنتی و جایگزین نمودن نظام جمهوری می‌باشد، در هر سه انقلاب شاهد تلاش نیروهای انقلابی برای نابودی ضد انقلابیون بودیم که همگی از حمایت بیگانگان برخوردار بودند، پس از مدتی از انقلاب رهبران انقلابی در هر سه مورد در صدد صدور آرمان‌های انقلابی خود به دیگر کشورها برآمدند و سه انقلاب دیدگاهی انترناسیونالیستی را پیگیری می‌کردند. هر سه انقلاب دورانی از رکود اقتصادی و انزوای همراه با واکنش‌های بین‌المللی را تجربه نمودند و هر سه از دستاوردهای اولیه خودشان دور شدند و هر سه انقلاب پس از پیروزی دورانی از وحشت و ترمیدور را پشت سر نهادند. اما در وجوه افتراق این سه انقلاب باید گفت که انقلاب اسلامی ایران از نظر محتوا و ماهیت با دو انقلاب دیگر تمایز پیدا می‌کند و آن پایبندی شدید این انقلاب و نظام برآمده از آن به آموزه‌های دینی و جدا نبودن سیاست و دین است. در مورد اولین ویژگی یعنی نقش رهبری، انقلاب ایران با دو انقلاب دیگر متمایز می‌باشد در حالی که در انقلاب ایران رهبری انقلاب با امام خمینی بود که ضمن دارا بودن مرجعیت دینی، دارای استعداد بالا و نبوغ برجسته بودند ایشان هر سه ویژگی رهبری یعنی رهبری ایدئولوگ، رهبری فرمانده و رهبری سازنده را دارا بودند و در تمام مدت رهبری انقلاب را به‌طور مستمر در اختیار داشتند. اما در دو انقلاب دیگر رهبری مستمری وجود نداشت و رهبران انقلاب به‌طور مقطعی هرکدام برای مدتی کوتاه رهبری انقلاب بر عهده داشتند بخصوص در انقلاب روسیه که رهبران انقلاب در واقع معماران بعد از انقلاب بودند پس در این دو انقلاب هر سه ویژگی رهبری به‌طور هم‌زمان دخیل نبوده است. دومین وجه افتراق سه انقلاب در نقش ایدئولوژی نهفته است، در حالی که در انقلاب ایران ایدئولوژی اسلامی

ریشه در تاریخ و فرهنگ این مرزوبوم دارد و همگامی همین ایدئولوژی بین رهبری و مردم باعث پیروزی سریع انقلاب ایران گردید، در انقلاب فرانسه ایدئولوژی لیبرالیسم ایدئولوژی طبقه روشنفکر و نخبگان فرانسوی بود و در روسیه ایدئولوژی مارکسیسم یک ایدئولوژی وارداتی بوده است. سومین وجه افتراق این سه انقلاب می‌توان در میزان مشارکت مردمی قرار داد، درحالی‌که انقلاب فرانسه و روسیه متمایل حرکت محدود مردمی در شهرهای پاریس و پتروگراد می‌شد انقلاب ایران شاهد موج عظیم مردمی در سراسر کشور از هر طبقه و قشری بود. و دیگر وجوه افتراق انقلاب ایران با دو انقلاب دیگر را می‌توان در طبقه رهبران انقلاب، وضعیت اقتصادی سه کشور، میزان اقتدار نظامی رژیم‌های پیشین خلاصه کرد. انقلاب ایران در واقع نمونه یک انقلاب اجتماعی بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ معاصر می‌باشد و از همه نظر نسبت به دو انقلاب دیگر برتری دارد و اثراتی شگرف بر کشورهای مسلمان و بخصوص کشورهای منطقه خاورمیانه برجای گذاشته است، این انقلاب با شعار معروف خودش نه شرقی نه غربی جمهوری اسلامی درصدد گسستن از بلوک‌های قدرت بوده است.

کتاب‌نامه

۱. افراخته داود (۱۳۹۸). مقایسه تاریخی سه انقلاب، مشهد: پریس.
۲. بخشنده فرهاد و محسنی مجید (۱۳۹۲). روزشمار انقلاب اسلامی ایران، تهران: کیمیا.
۳. بشیریه حسین (۱۳۹۲). انقلاب و بسیج سیاسی، چ ۳، تهران: پگاه.
۴. پزشکی محمد و حسینی‌زاده سید محمدعلی (۱۳۹۳). انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، چ ۲، تهران: معارف اسلامی.
۵. پیرن ژاک، (۱۳۹۷). جریان‌های بزرگ تاریخ معاصر، ترجمه مهندس رضا مشایخی، تهران: امیرکبیر.
۶. جانسون چالمرز (۱۳۹۳). تحول انقلابی، ترجمه حمید الیاسی، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
۷. دان جان ام (۱۳۹۹). انقلاب روسیه، ترجمه سهیل سمی، چ ۲، تهران: ققنوس.
۸. طلوعی محمود (۱۳۹۶). داستان انقلاب، چ ۱۷، تهران: صدرا.
۹. فراتی عبدالوهاب (۱۳۹۶). درآمدی بر انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، قم: معارف اسلامی.
۱۰. فیشر هریبرت، (۱۳۹۴). تاریخ اروپا از انقلاب کبیر فرانسه تا ظهور هیتلر، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، علمی.
۱۱. قوام سید عبدالعلی (۱۳۹۱). سیاست‌های مقایسه‌ای، ۱۳۹۱ چ ۱۳، تهران: سمت.

۱۲. کورزین فیلیس (۱۳۹۸). انقلاب فرانسه، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۹۸.

۱۳. کولایی الهه (۱۳۹۸). سیاست و حکومت در روسیه، چ ۶، تهران: وزارت خارجه.

۱۴. ماله آلبر و ایزاک ژوال (۱۳۹۳). تاریخ قرن هجدهم و انقلاب کبیر و امپراتوری ناپلئون، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

۱۵. محمدی منوچهر (۱۳۹۰). تحلیلی بر انقلاب اسلامی، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

۱۶. -----، ----- (۱۳۹۱). انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه، تهران: نویسنده.

۱۷. ملکوتیان مصطفی (۱۳۹۴). سیری در نظریه‌های انقلاب، چ ۵، تهران: قومس.

۱۸. نقیب زاده احمد (۱۳۹۸). تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل، چ ۳، تهران: قومس.

۱۹. وایل ام جی سی (۱۳۹۱). سیاست و حکومت در شوروی، ترجمه علیرضا طیب، چ ۴، تهران: قومس.

20. P.Green,Comparative Revolutionary movements,Prentice-Hall,New Jersey USA,10/2/2009.

21. Zogorin.Hall, Theories of Revolution of contemporary Historiography,Political Science Quarterly,P1,March 2018.